

نظام نوین اقتصاد بین‌المللی *

برای نخستین بار جهان سوم يك نقش مؤثر در تنظیم روابط بین‌المللی ایفا می‌کند

اجلاس ویژه سازمان ملل متحد که برای بررسی مسائل مربوط به مواد خام و توسعه اقتصادی، تشکیل شده بود «رسماً» نظامی را که امروز بر روابط اقتصادی بین‌المللی حکومت مینماید محکوم کرده آنرا مانع رشد اقتصادی سریعتر کشورهای روبه توسعه و معارض گسترش روابط سیاسی و اقتصادی بین‌المللی میخواند و در اعلامیه نهائی خود میگوید :

«دول عضو سازمان ملل بالاتفاق تصمیم گرفته‌اند که فوریت برای برقراری يك نظام اقتصادی بین‌المللی تازه اقدام نمایند»

فقط دولی که بانی نظام اقتصادی امروز هستند با اهمیت حقیقی این اعلامیه و تقابلی که در روابط بین‌المللی سبب خواهد شد پی‌میبرند و بهمین جهت است که نسبت به تبلیغ نتایج این اجلاس عمداً کوتاهی ورزیده سعی دارند توجه جهانیان را از آن برگردانند .

این اعلامیه و برنامه اجرایی آن دوسند اصلی این اجلاس ویژه سازمان ملل است که از بیستم فروردین تا دوازدهم اردیبهشت ماه امسال (نهم آوریل تا دهم مه ۱۹۷۴) در مقر سازمان به پیشنهاد آقای بومدین، رئیس جمهور الجزایر و رئیس چهارمین جلسه کنفرانس گروه کشورهای غیرمتعهد منعقد شده بود . صرف تشکیل این جلسه ویژه توفیق بزرگی برای کشورهای جهان سوم است. بعد از کنفرانس سانفرانسیسکو در ۱۹۴۵ که در آن سازمان ملل بوجود آمد می‌توان گفت که این مهم‌ترین جلسه‌ای است که سازمان ملل تا کنون تشکیل داده است.

در کنفرانس سانفرانسیسکو فقط پنج‌جاه دولت شرکت کردند و بین این پنج‌جاه دولتهای نورترین رأی را ایالات متحده آمریکا و چند رأی نیمه موثر را جماهیر شوروی و انگلستان و فرانسه در دست داشتند و باقی دول جز سیاهی لشکر نقش‌بازی نمی‌کردند.

در سانفرانسیسکو نظام بین‌المللی که بر اثر جنگ جهانی دوم برهم ریخته بود بر اساس

تازه‌ای طبق نظر کشورهای فاتح آن جنگ طرح شد و ماموریت آن به‌عده سازمان ملل واگذار گردید.

تغییر این نظام بالا‌اقل تغییر میانی اقتصادی آن هدف اجلاس ویزه ماه قبل بود که بنا بر پیشنهاد جهان سوم و با مشارکت ۱۳۰ دولت عضو سازمان ملل که نود و هفت دولت یعنی اکثریت مطلق آنرا کشورهای جهان سوم تشکیل می‌دادند منعقد گردید. از آن مهم‌ترین جلسه کشورهای جهان سوم بودند، نه کشورهای صنعتی بزرگ که طرح نظام تازه‌ای ارائه دادند و یک استراتژی مشترک برای قبولاندن آن طرح اختیار کردند. ناگفته نماند که ایران در طرح این نظام و این استراتژی سهم بسیار مؤثری داشت و نماینده دائم ایران آقای فریدون هویدا که بریاست کمیته مخصوص مأمور تهیه این نظام انتخاب شده بود مکرراً از طرف دیگر نمایندگان از این جهت که توانست هم‌آهنگی دول عضو را تارسیدن به نتیجه نهایی حفظ کند مورد تمجید و ستایش قرار گرفت.

در اعلامیه تصریح شده است که :

«جهان روبنوسه عامل نیرومندی شده که تأثیر آن در تمام میدانهای فعالیت بین‌المللی دیده میشود. این تغییر قابل برآورد مناسبات قوا در جهان یک مشارکت فعال و برابر جهان روبنوسه را در طرح و اجراء تمام تصمیمهای مربوط بجامعه بین‌المللی ایجاد مینماید.»

نظام اقتصادی فعلی که سیاستهای بازرگانی و گمرکی پولی و اعتباری ارکان آن را تشکیل می‌دهند موقعی پایه ریزی شده که نه تنها عده کم کشورهای جهان سوم آن زمان بلکه حتی کشورهای صنعتی شده نیز نمیتوانستند با نظر آمریکا مخالفت کنند. انگلستان که در ۱۹۴۴ هنوز از ادعای پیشروی و برتری دست برنداشته بود قهرمان اقتصاد خود «کینز» مشهور را با طرح مفصلی با آمریکا فرستاد ولی کینز شکست خورد و طرح وایت آمریکائی مبنای تشکیل صندوق پول بین‌الملل و بانک جهانی شد.

کشورهای سوسیالیست در این دو رکن اقتصاد بین‌الملل شرکت نکردند. کشورهای دیگر غربی هم جز قبول نظر آمریکا راهی نداشتند. دلار بصورت یک پول جهانی درآمد و در حساب پشتوانه‌های پولی کشورهای مختلف پذیرفته شد و بسرعت موجودی آن در بازارهای دنیا افزایش یافت.

درواقع مهمترین دلیل سرعت ترقی اقتصادی آمریکای بند از جنگ حاکمیتی بود که آن کشور در تعیین نظام اقتصادی جهان پیدا کرده بود. این حاکمیت است که امروز متزلزل شده و این متزلزل است که بحران پولی و اغتشاشات اقتصادی از چهار سال پیش باینطرف راپار آورده است.

اروپا اگرچه تفوقی را که پیش از این در صحنه جهان داشت بدست نیاورد، و دیگر بدست نخواهد آورد ولی باندازه کافی تجدید قوا کرده که بخواهد و تاحدی بتواند روی مصالح مخصوص خود ایستادگی نشان بدهد. در آسیای شرقی ژاپون و چین دو مرکز قدرت تازه تشکیل داده‌اند و جماهیر شوروی که در سالهای نخستین بعد از جنگ عامل مؤثری در اقتصاد بین‌المللی نبود امروز در محاسبات اقتصادی جهانی کاملاً بحساب می‌آید. پیدایش و رشد این مراکز قدرت تعادل قوای سالهای نخستین بعد از جنگ دوم را که مبنای نظام اقتصادی موجود

است برهم زده است ولسی آنچه برای پشویان يك نسل پیش کمتر از تمام این نحولات قابل پیش بینی بود بخود آمدن جهان سوم است .

دول استعمارگر تاقریبیانی سال پیش از این یقین داشتند که باعانی خواهند توانست نهضت‌های استقلال‌طلبی را در مستعمراتشان خفه کنند . اما پس از آنکه در جنگ‌های وحشیانه خود علیه استقلال طلبان ده‌ها هزار نفر از جوانان‌شان را بکشتن دادند و برابر میلیاردها ربال را آتش زدند دیدند چاره‌ای جز تسلیم ندارند . آنوقت بود که در اروپا يك سلسله پشوابان سیاسی تازه پیدا شدند که هنر بزرگشان پایان دادن بجنگ‌های استعماری و قبول نظر استقلال طلبان بود ، همانطور که باید آرزو کرد حکومت تازه پرتغال نیز همین رویه را پیروی نموده هرچه زودتر دست از مستعمرات خود بر خواهد داشت .

اما پس از اینهم که استعمارگران بیرق خود را از مستعمرات بردند باز دست از استعمار برنداشتند تاچائیکه جلسه ویژه سازمان ملل این امر را در اعلامیه خود بزرگترین علت شکافی میدانند که بین کشورهای صنعتی شده و کشورهای روبه پیشرفت بوجود آمده و روز بروز عمیق‌تر و تاریکتر میشود . اعلامیه میگوید :

بزرگترین و پر معنی‌ترین توفیق دهه‌های اخیر استقلال شماره زیادی از ملل از استعمار رکنسله اجنبی بوده ... ولی آثار باقیمانده استعمار و تسلط اجنبی و اشغال بیگانه‌گان کبعضی نژادی ، آپارتاید و استعمار نودرتنام اشکالی باز از جمله بزرگترین موانع آزادی کامل وگرولی کشورهای روبه توسعه و تمام ملل مربوطه است .

علاوه بر کشورهای تازه باستقلال رسیده کشور هائی هم که از پیش از جنگ استقلال یافته استقلالی داشتند مشمول همین تبعیضها و استعمارهای بی پروا و بی اندازه بوده هستند و از این حیث وضعشان با یکدیگر تفاوت چندانی ندارد .

تفحص و پیشرفت ملل، وابسته واکنشی است که در برابر مشکلات نشان میدهند . در آغاز دوره استعمار بیشتر ملل آسیا و آفریقا در مرحله‌ای از تاریخ خود قرار گرفته بودند که سلامت را در تسلیم میدیدند خاصه که از عواقب تسلیم با استعمار خیر نداشتند . بندریج فشار وجود استعمار و استثمار چنان کشورهای جهان سوم دامستاصل ساخت که دیگر چاره‌ای جز قیام و مبارزه برای حفظ حیات خود نمیدیدند و چون بضمف خود اگاهند کم کم متوجه شدند که توفیقشان مشروط باینست که هرچه بیشتر بیکدیگر نزدیک شده هدفهای مشترکی انتخاب و یک نقشه جهانی مشترک برای رسیدن بآن هدفها طرح نمایند . مبانی این همکاری در کنفرانس باندونگ (آوریل ۱۹۵۵) بین کشورهای آسیا و آفریقا گذارد شد و در کنفرانسها وانجمنهای بعدی که کشورهای آمریکای لاتین را نیز شامل میگردد تعزیت شد تا به تشکیل این اجلاسیه ویژه و پیشنهاد يك نظام اقتصادی نوین منجر گردید .

از سالها پیش کشورهای اروپای غربی و ژاپون متوجه زیانهای که نظام اقتصادی موجود برایشان در برداشت بودند و برای علاج آن تقلا میکردند اما « بحران انرژی » ضرورت تغییر نظام اقتصادی را بهتر روشن ساخت و این مبارزه را بمیدانهای تازه‌ای گشاید از این جهت است که من مننقدم باید بحران انرژی را مبداء يك دوره از تاریخ روابط بین الملل دانست . تشکیل کنفرانس کشور های مصرف کننده نفت که باقرار و عجله ایالات متحده

آمریکا در اواسط زمستان ۱۳۵۲ تشکیل شد و عملاً بجائی نرسید و تشکیل جلسه ویژه مجمع عمومی سازمان ملل برای بررسی مسائل مربوط بمواد خام و توسعه اقتصادی دو نمونه از مراحل اولیه این دوره تازه روابط بین‌المللی است .

اصولی که در اعلامیه گنجانده شده متعدد و همه بسیار حائز اهمیت و بعضی از آنها بکلی انتقالی است . هدف غائی این اعلامیه که در بعضی از مواد آن بطور صریح گنجانده شده و از بعضی مواد دیگر بطور ضمنی استنباط میگردد از بین بردن نظامها و رویه ها و عاداتی است که نیکیگذارد کشورهای روپتوسه با سرعت بیشتری پیش بروند . برای رسیدن باین هدف اعلامیه احتضار مینماید که کشورهای رو پتوسه باید از این پیمد در تدوین و اجراء کلیه تصمیمهای موثر در وضع جهان دوش بدوش کشور های صنعتی شده و با حقوقی مساوی با آنان شرکت کنند .

دو اصل از اعلامیه مستقیماً با آنچه دولت ایران پبوسته تبلیغ کرده و در سهم خود طبق آن عمل نموده مربوط میشود :

یکی آنکه هر کشور حق حاکمیت مطلق و دائم نسبت بمنابع طبیعی ثروتش دارد و مختار است آن منابع را ملی کند و یا مالکیت آنها را باتباعش انتقال دهد ،
- و دیگر اینکه باید يك رابطه منصفانه بین قیمت کالاهای صادراتی کشورهای روبه توسعه و قیمت کالاهائی که این کشورها از صنعتی شده‌ها میخرند برقرار باشد .
همچنین در برنامه اجرایی این اعلامیه به « پیشنهادهای سازنده شاهنشاه ایران در مجلس جمهورالجزائر » اشاره شده و برنامه‌ای برای کمک فوری بکشورهائی که در بین کشورهای روپتوسه از دیگران فقیرترند تدوین گردیده است اما این برنامه جدا از صندوق یا بنیادی است که دولت ایران پیشنهاد نموده است .

اینك مطلب اساسی که در پیش است تامین امکانات اجراء این اعلامیه است . چون تصمیمهای سازمان ملل ضمانت اجرایی ندارد بلکه اجراء آنها بیشتر مربوط بحسن نیت دول عضو سازمان و احترامی است در آن دول باامضاء خود میگذاردند .

اما سرنوشت این تصمیمها هرچه باشد يك امر مسلم بنظر میرسد و آن اینکه کشور- های جهان سوم چاره‌ای ندارند جز آنکه دنبال اقداماتی را که شروع کرده‌اند بگیرند و کشورهای صنعتی شده نیز نمیتوانند از مسئولیتی که در برابر جهان دارند روپر گردانند .
از طرف دیگر امکانات تازه‌ای که کشور های صادرکننده نفت عضو اوپك در نتیجه افزایش سریع درآمد خود بدست آورده‌اند (درآمد نفتی این کشورها در سال جاری ممکن است به ۱۱۵ میلیارد دلار برسد) و تلاش کشور های رو پتوسه مولد چند ماده اولیه اصلی دیگر برای تقلید از رویه اعضاء اوپك يك دلیل مادی دندان شکن بدلالی که از اصل همبستگی نتیجه میشود می افزاید .

بزرگترین مؤثر ترین حربه‌ای که کشورهای صنعتی شده ، اگر عزم لجاج کنند ، میتوانند بر علیه کشورهای روپتوسه بکار ببرند ایجاد تفرقه است و در بکار بردن این حربه کشورهای صنعتی شده در دوقرن اخیر بمنتهای تخصص رسیده اند . اگر کشور های جهان سوم بتوانند در برابر این حربه مقاومت کنند میتوان امیدوار بود که بسرعتی بیش از آنچه امروز قابل پیش بینی است بهدفعهای خود نزدیک خواهند شد .